

#### گزارش

#### جشن ۷۰ سالگی کامران کاتوزیان

■ **شرق:** مراسم نکوداشت کامران کاتوزیان با عنوان «در ستایش ۷۰ سالگی کامران کاتوزیان» میزبان هنرمندانی چون شهرام ناظری، آیدین آغداشلو، قباد شیوا، ابراهیم حقیقی و... بود. در مراسم نکوداشت کامران کاتوزیان که عصر جمعه یازدهم آذر در تالار استاد انتظامی خانه‌هنرمندان ایران برگزار شده، علاوه بر سخنرانی ابراهیم حقیقی و ام‌الله فرهادی، فیلمی از زندگی این هنرمند به نمایش گذاشته شد و علاوه بر آن، نمایشگاهی از آثار نقاشی و برخی از کمپین‌های تبلیغاتی کاتوزیان در نگار خانه تابستان خانه‌هنرمندان افتتاح شد. در ابتدای مراسم ام‌الله فرهادی با اشاره بر برگزاری مراسم بزرگداشت کامران کاتوزیان در سالروز تولدش گفت: «من از چندین ماه پیش بارها و بارها درباره برگزاری چنین مراسمی با استاد کاتوزیان صحبت می کردم و هر بار به من چنین اجازهای را نمی‌دادند، تا اینکه در نهایت بهار امسال موافقت کردند. با وجود این، مرتب به من می گفتند: «کند می‌خواهی دو ساعت مردم در آنجا بنشانی تا به حرف‌هایی گوش بدهند که ستایش و ثنای من است و...» سرانجام من به کمک ابراهیم حقیقی و دیگر دوستان توانستم چنین برنامه‌ای را برگزار کنیم.» فرهادی در ادامه صحبت‌هایش درباره شخصیت کامران کاتوزیان اظهار کرد: «کامران کاتوزیان خیلی کم در کلاس‌های درس حاضر می‌شد، اما ما بعد از انقلاب با خواهش و تمنا توانستیم در حضور ایشان در یکی، دو کلاس استفاده کنیم. شاید به جرأت بتوان گفت که ۷۰، ۸۰ درصد از شاگردان او، هم‌اکنون از طراحان موفق هستند که مشغول به کارند.»

پس از صحبت‌های فرهادی، فیلمی درباره زندگی کامران کاتوزیان به نمایش درآمد که در آن، کاتوزیان درباره اتفاقاتی که در این سال‌ها در عرصه گرافیک و تبلیغات به وجود آمده، صحبت کرده بود. در ادامه مراسم ابراهیم حقیقی درباره شخصیت و جایگاه کامران کاتوزیان گفت: «لیل صحبت کردن من در این مراسم را قدردانی شاگردی از معلمش بدانید، اگرچه شاید چیزی بیشتر از خاطرات شخصی نتوانم بگویم.» حقیقی افزود: «بخشی از لحاظه تصویری ما کاریکاتورهایی است که بعد از وقایع سیاسی جامعه در مجلات و روزنامه‌ها به چاپ می‌رسید و بعدها مثلا به شکل دایمی مجله‌ای مثل توفیق تبدیل شد. در این سال‌ها آگهی‌هایی شبیه تبلیغات خارجی به چاپ رسید و کم‌کم اتفاقاتی نیز در زمینه گرافیک به وجود آمد.» وی در پایان اضافه کرد: «کاتوزیان همواره به زندگی و شهرش و آدم‌های اطرافش فکر می‌کند. وقتی در تهران موجب رشد پیلوره‌دها می‌شود، لیختن را شهر خاکستری تهران برمی‌گرداند و جلوه شهر را تغییر می‌دهد. کاتوزیان سواد بصری ملت ایران را رشد بخشیده است.» کامران کاتوزیان هم در پایان مراسم در سخنانی کوتاه گفت: «این قشنگ‌ترین روز تولدی بوده است که من تا به حال داشتم.»

#### فضای سفید گالری‌های تهران سیاه‌پوش شد

■ **شرق:** فضای سفید گالری‌ای سیاه‌پوش شده است. این روزها گالری‌های مختلف تهران میزبان نمایشگاه‌هایی با مضمون حماسه سال ۶۱ هجری شده‌اند. نمایشگاه‌هایی که اغلب به سه عکس‌های

عاشورایی اختصاص دارند و تصویر عاشورا را به نمایش گذاشته‌اند. گالری «کبک» که به تازگی با مدیریت محمد صالح‌عازم تاسیس شده، دومین نمایشگاه خود را به آثار چهار عکاس اختصاص داد. در این نمایشگاه گروهی عکس‌هایی از نادر داوودی و جمشید بایramی تا ۲۲ آذر نمایش داده می‌شود. به گفته محمد صالح‌عازم مدیر این گالری، به مناسبت فرارسیدن تساعوا و عاشورا نمایشگاهی با عنوان «تازنین و نمناک» در این گالری برپا شده که زیباترین و هنرمندانه‌ترین عکس‌های عاشورایی را دربر می‌گیرد و کار چند تن از عکاسان معاصر است. این گالری در میدان کتلی، ابتدای خیابان جلفا، خیابان پاکروان، کوچه کبک، شماره چهار واقع است. گالری «آتین» هم به عکس‌های عاشورایی به پیشواز تساعوا و عاشورا رفته است. این گالری همزمان با فرارسیدن ایام عزاداری محرم میزبان نمایشگاه عکس‌های عاشورایی با عنوان «خلق عالم» است. این نمایشگاه از یازدهم آذر آغاز به کار کرده و تا آن ننگه‌های متفاوت و روزآمدی که شامل ۲۴ عکس از شش هنرمند عکاس درباره آیین‌های مذهبی محرم است، به نمایش عموم گذاشته شده است. «خلق عالم» عکس‌هایی از آریا ابوالجستی، کمند رضوی، مرجان غریب‌گرد، نغمه قاسملو، حمیدرضا کرمی و پیمان هوشمندزاده را دربر می‌گیرد و تا ۲۱ آذر دایر است. خانه هنرمندان هم از هشتم آذر پذیرای اولین نمایشگاه تخصصی عکس سفرهای حسینی در گالری میرمیران شده است. ۱۷ تابلو عکس در ابعاد ۹۰×۶۰ را دربر می‌گیرد که از بین ۷۲ عکس منتخب و برگزیده مسابقات دو دوره گذشته عکاسی از سفرهای حسینی توسط شورای هنری خانه هنرمندان ایران انتخاب شده‌اند. موضوع این عکس‌ها به گوشه‌ای از آیین سوگواری ایرانیان در ایام محرم و صفر و ندورات ایشان به طور مشخص و اختصاصی می‌پردازند. در کنار خانه هنرمندان، تالار وحدت هم فضاهای خود را به نمایش عکس‌های تعزیه دوران قاجار اختصاص داده است. نمایشگاه عکس‌های قدیمی تعزیه مربوط به دوران قاجار با عنوان «به تماشای...» شامل عکس‌های قدیمی تعزیه ایران است که در آن عکس‌های از ابزار، اشخاص و مکان‌های اجرای تعزیه همچون تکیه‌دولت به نمایش گذاشته شده است. این نمایشگاه که ۲۲ قطعه عکس ۷۰×۱۰۰ را از مراسم تعزیه در دوران قاجار دربرمی‌گیرد. در کنار گالری‌ای و بنای و نهادهای دولتی، شماری از فرهنگسراها هم رنگ و بوی عاشورایی گرفته‌اند که از جمله آنها می‌توان به فرهنگسرای «اسپاران» اشاره کرد.

## عاشورا اوجی دراماتیک

کرد و البته بر ماست که این حادثه را تمام و کمال حفظ کنیم. بر اساس این واقعیات، بر آن شدم تا در سال ۷۶ سمفونی‌ای بسازم که نشانی از شهادت در آن باشد. حسین برای ما ایرانیان یک شخصیت خاص است و من کوشیدم این شخصیت را در یک سمفونی ۱۰۷ دقیقه‌ای نشان دهم. این اثر یک کل به عنوان مقدمه دارد و بقیه هفت قسمت است که نشان از هفت مرحله طریقت دارد؛ طریقتی از مدینه تا کربلا با ابعادی به عظمت تمام تاریخ، کنار گذاشتن جریان حسین یعنی حذف خلقت در غروب سخت و سهمگین، وقتی برق شقاوت خنجر ی آنگون بر خنجره آخرین شهید نشست، وقتی صدای شکستن استخوان در گوش سها پیچید و آن‌زمان که خیمه‌ها در رقص شعله‌ها گم شدند، جلالان همه چیز را تمام شده انگاشتند. اما تاریخ همچنان باقی است، تا ابدیت و در این بین، عاشورا باید در فرهنگ ما بازسازی و بازنگری شود تا عاری از هرگونه خرافات شود، تا بتواند زیبایی‌های شهادت را به صورت اصیل‌تری بیان کند.



محمدسعید شریقیان

سازنده سمفونی خسوف

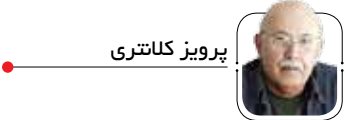
موضوع امام‌حسین(ع)، زندگی و حرکت آن حضرت، یک برنامه مکتب و نظام فکری است. سنگری است دفاعی برای برافراشته نگه داشتن پرچم عزت و شرف جامعه بشری. حضرت حسین سمبل استقلال، اخلاص، توحید، اخلاق، شجاعت و در یک کلام همه خوبی‌هاست و در در این مجموعه، واقعه عاشورا یک انقلاب، تحول و نهضت است. قیامی است که هم خود فی‌نفسه موضوعیت دارد و هم گذشته و آینده بر محور آن تنظیم شده است. خداوند امام حسین را آفرید تا نمایانگر نمونه خاص در زندگی بشر باشد. حرکت حسین اوج اعتقاد و پایبندی به اصول، عشق و خدایی است. شهادت او نمونه بارزی از فیجیح‌ترین جنایات تاریخ است و اگر همه دنیا این حادثه را فراموش کنند تاریخ آن را فراموش نخواهد

مرجان صابئی: مجتبی راعی در «عصر روز دهم» اعتقادات واحد مذهبی مردم ایران و عراق را عصری برای از بین بردن کینه‌ها به کار می‌برد و عقیده دارد مسیبان اصلی جنگ ایران و عراق، بزرگ‌ترین هشدان جدایی کشورهایی بود که مسلمان شیعه زیاد دارند. او معتقد است تنها چیزی که می‌تواند این کینه را از بین ببرد، اعتقاد واحد مردم این دو کشور به ائمه اطهار است. تلفیق عزاداری طواریج اوج بیان این دیدگاه است. در آستانه تاسوعا و عاشورای حسینی گفت‌وگویی داشتیم با نویسنده و کارگردان «عصر روز دهم».

■ ■ ■

■ **ساختن فیلم درباره عاشورا از کارهای سختی است که کمتر کارگردانان ایرانی به سراغش رفته‌اند. شما در روز دهم این کار را کرده‌اید به خصوص که در شهر کربلا این فیلم را ساخت‌اید.**

این برای اولین بار بود که دوربین فیلمبرداری وارد شهر مقدسی می‌شد، بکر بودن منطقه و عدم شناخت مردم از فیلمبرداری باعث می‌شد عکس‌العمل‌هایی مثل گرفتن دو انگشت رو به دوربین و غیره نداشته باشند. اما از طرفی، اگر احتیاج به سیاهی لشکر داشتیم کسی نبود، به هر کسی می‌گفتم تعجب می‌کرد. هیچ امکاناتی وجود نداشت. حتی ما نتوانستیم در آنجا پرژکتور پیدا کنیم. هم در ایران و هم در عراق، آدم‌هایی مطلق اندیشی هستند که می‌گویند به این دلیل که عراق با ما



پرویز کلاتتری

نمایش ۴۴ اثر از مهم‌ترین نقاشان معاصر ایران بر دیوارهای گالری شیرین نمایشی است از توانایی بخش خصوصی در انجام این مهم؛ نمایشگاهی که در همان شب اول با استقبال تماشاچیان و فروش قابل ملاحظه آثار روبه‌رو شد، نشانه‌ای است از توانایی مدیریت گالری و مجموعه به برگزاریکنندگان نمایشگاه که در پشت صحنه فعال بوده‌اند. بی‌تردید توسعه پایدار در گرو فعال شدن بخش خصوصی در همه زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی است. این نمایشگاه تا ۱۲ آذر ادامه دارد که فرصت کافی را در اختیار بازدیدکنندگان قرار می‌دهد. از دیگر ویژگی‌های مهم این نمایشگاه گنج‌آیندن جلسه بحث و گفت‌وگو درباره آثار است. هنوز بسیاری از تجربه‌های مدرن در نقاشی معاصر پرسش‌هایی را برای بینندگان هنرهای تجسمی دربر دارد و در واقع این نمایشگاه خود به خود

■ ■ ■

# روایت مجتبی راعی از فیلمسازی در کربلا

در گیر ششوند. و اگر پلیس هم می‌آمد، درنهایت به ما می‌گفت: بروید جای دیگری فیلمبرداری کنید. چون هیچ وقت به دلیل فیلمبرداری ما، با مردم محل درگیر نمی‌ششوند. با وجود اینکه کار ما مخفیانه نبود و با وزارت داخله عراق هماهنگ شده بود اما از طریق تشکیلات آقای سیستانی همه چیز حل شد و اگر کمک‌های ایشان وجود نداشت اصلا عصر روز دهم ساخته نمی‌شد.

■ **تلفیق داستان فیلم با واقعه عاشورا به چه دلیل بود؟**

سناریوی فیلم طوری جلو می‌رفت که اوج آن، در عصر روز دهم محرم، یعنی روز عاشورا باشد. طواریج، رسمی قدیمی است که در عصر روز عاشورا حدود چند میلیون عزادار از تمام قشرها در آن شرکت می‌کنند. علما، روشنفکران، مردم عادی هروله‌کنان و بر سرسینه‌زن زنان برای یادآوری حادثه عاشورا به سمت مرقع حسینی می‌دوند و ذکر می‌گویند. این مراسم از نام روستا و قبیله‌ای در نزدیکی کربلا گرفته شده است. ظاهرا اهالی این روستا در زمان حسین بن علی در واقعه کربلا می‌خواست‌اند به یاری حسین بروند. بعد از زمانظر، زمانی که آماده حرکت برای کمک به امام بودند، پیکی می‌آید و می‌گوید به چه کسی می‌خواهید کمک کنید؛ همه را کشتند. تمام اهالی ده راه می‌افتند به طرف محرابی کربلا، جایی که امام حسین و یارانش کشته شده بودند. از آن سال به بعد، دیگر شیعیان عراق هم به آن روستا می‌روند و از آنجا تا کربلا را می‌دوند. طواریج، یک عزاداری

#### محامدی «مقبره سنگی» را به صحنه می‌برد



شرق: منیژه محامدی مراحل تمرین نمایش «مقبره سنگی» نوشته ولادیمیر گورایوف را در اداره تئاتر طی می‌کند. در نمایش «مقبره سنگی» که کاری از گروه تئاتر پیوند است، محمود اسکندری، مهوش افشارپناه، فرزانه نشاط‌خواه، ارژنگ امیرفضلی و مجید جعفری بازی می‌کنند.

## نمایشگاه بحث‌انگیز نقاشی در گالری شیرین

بحث‌انگیز است. از این‌رو جلسه بحث و گفت‌وگو درباره آثار می‌تواند راهگشای درک تجربه‌ای مدرن در نقاشی معاصر ایران باشد. اما گالری شیرین پیش از این در برگزاری نمایشگاهی به منظور حراج آثار به نفع کودکان سرطانی، با چاپ کاتالوگ بسیار نفیس و بافروش قابل ملاحظه آثار بسیار موفق بوده است؛ شاید برای نخستین بار است که در ایران چنین حراج باشکوهی در یکی از سالن‌های هتل اوین، برگزار شده است؛ حراجی نزدیک به استاندارد ده‌ای جهانی حراج بدیهی است. گالری شیرین برای انجام چنین برنامه‌ای پرخرجی با سرمایه‌گذاری لازم و مناسب روبه‌رو بوده است؛ با توجه به گالری جدیدش در فضای بزرگ بالای شهر. اغلب هنرمندان نقاش امروزی ابعاد آثارشان چنان بزرگ است که از ورودی‌های گالری‌های قدیمی عبور نمی‌کنند. بنابراین یکی از ویژگی‌های گالری‌های تازه‌تاسیس، فضای بزرگ مناسب برای نقاشی‌های بزرگ است. به نظر می‌رسد در بخش سرمایه‌گذاری روی نقاشی معاصر با تاسیس گالری‌های جدید و رقابت سازنده بین آنها، برای ورود به بازارهای فرامرزی می‌شود امیدوار بود.

■ ■ ■

خالص است و فضای عجیبی دارد. مثلا مراسم قمع‌زنی در کربلا خیلی جدی بود و چهره جالبی هم داشت.

■ **چند صحنه اوج فیلم در عاشورا می‌گذرد؟**

آدم‌های خاصی به این شکل عزاداری می‌کردند. اما در عزاداری طواریج، پیام عاشورا پیدا بود. به علت خلوص این عزاداری می‌خواستست صحنه اوج سناریو در آن باشد. جایی در فیلم گفته می‌شود: وقتی «حجه» دختر ایرانی بیماری لاعلاج می‌گیرد برای شفایش نذر می‌کنند که هر سال در کنار حرم حضرت ابوالفضل جای دهند. نذر جای ابوعلی در کربلا خیلی مهم است. ابوعلی یعنی پدر علی‌اکبر. یعنی جای امام حسین بسیار خوشمزه و گرم است. عزاداران از این جای خیلی استقبال می‌کنند. در فیلم، وقتی جست‌وجو قطع می‌شود، یک امید بیشتر باقی نمی‌ماند، اینکه امسال هم نذرشان را ادا کنند. اوج داستان، لحظه‌ای است که مادر ایرانی و عراقی یکدیگر را در کنار حرم حضرت ابوالفضل ملاقات می‌کنند. از دیگری نکتها در فیلم زمانی است که محسن محمود، منکر ایرانی بودن دختر می‌شود. در درگاه حرم، دختر ایرانی از او می‌پرسد، آیا «حجه» خواهر من نیست؟ او در پاسخ می‌گوید: جایی این سوال را از من پرسیدی که نمی‌توانم در حضورش دروغ بگویم. به این شکل اعتقادش به حل مسئله کمک می‌کند. من دلم می‌خواهد ما مسلمانانی که ادعا می‌کنیم پیرو امام حسین هستیم، در حضورش که دایم است، دروغ نگوییم.

#### مایک لی رییس داوران جشنواره برلین ۶۲



شرق: مایک لی فیلمساز تحسین‌شده بریتانیایی ریاست هیات داوران بخش بین‌الملل شصت و دومین دوره جشنواره فیلم برلین را برعهده گرفت. این کارگردان ۷۷ساله، ۴۰سال است در دنیای سینما فعالیت می‌کند. لی برای فیلم‌های «ازها و دروغ‌ها»، «واژگون»، «ورا دریک»مرمجموع هفت بار نامزد اسکار بوده است.

## مشکلات تئاتر در برنامه سینمایی

بازیگران سرشناس و کاربلد تئاتر فرصت حضور روی صحنه را ندارند و مدت‌هاست هیچ پیشنهادی در این زمینه نداشته‌اند. بهزاد فراهانی در برنامه مجله تئاتر و بیانیه انجمن بازیگران تئاتر به حضور بازیگران سینما در تئاتر و واکنش داوود رشیدی، رییس انجمن بازیگران سینما باعث بروز بحث‌هایی شد که بهانه‌ای بود برای حضور بهزاد فراهانی به نمایندگی از تئاتر‌ها و آتلا پساپسینی با بیان اینکه روح بیانیه اشکال ندارد، افزود: «من متن کامل بیانیه را مطالعه کردم و با روح آن و دغدغه اصلی جناب فراهانی و دوستان‌شان کاملا موافقم اما به اشتباه نشانه رفته‌اند. سینما و تئاتر آنقدر امروز به هم نزدیک هستند که لزوم تشویق و همگونی میان آنها وجود دارد. سینما و تئاتر فقط در عرصه و مدیوم با هم تفاوت دارند. آمدن بازیگران سینما به تئاتر، قبل از انقلاب نیز مرسوم بوده است و امروز هم اشکالی ندارد. اینکه بازیگری مانند مهناز افشار دست‌مزد فراوان در سینما را رها می‌کند و به تئاتر می‌آید و به دستمزد کم قانع می‌شود، خودش خیلی ارزشمند است.»

■ **میرمحمد تجدد و عبدالله بوتیمار از بازیگران سینما به علت سکتته مغزی در بیمارستان بستری شدند. میرمحمد تجدد که در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان «بیماران» بستری است، در سه روز گذشته به علت سکتته مغزی و خونریزی معده به کما رفته و هم‌اکنون ممنوع‌الملاقات است. عبدالله بوتیمار هم که نزدیک به دو ماه است دچار سکتته مغزی شده هم‌اکنون در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان فیروزگر بستری است.**

■ **«یدالله صمدی» به منظور فراهم‌کردن مقدمات ساخت پروژه فیلم جدیدش به باکو سفر کرده است. این فیلم موزیکال که براساس یک اپرای معروف آذربایجانی ساخته خواهد شد با حضور بازیگران ایرانی و آذری مقابل دوربین خواهد رفت. قرار است یک بازیگر ایرانی نقش «مشتی‌عباد» را بازی کند. فیلم «مشتی‌عباد» به زبان آذربایجانی ساخته می‌شود.**

#### خبر آخر

#### جایزه فردوسی در اسفند

■ **ایسنا:** محمدعلی اسلامی‌ندوشن از آخرین وضعیت جایزه بزرگ فردوسی گفت: «هم‌اکنون همکاران ما در حال تهیه آثار درخوری هستند که در یک‌سال اخیر در حوزه شاهنامه و فردوسی منتشر شده است. در صورتی که آثار به حد تصاب رسید، با داوری و بررسی آثار، کتاب برگزیده در حوزه شاهنامه‌پژوهی و فردوسی در اسفندماه به جامعه فرهنگی معرفی شود. البته در صورتی که آثار درخور به‌حد کفایت نبود و آثاری رسیده بود که به لحاظ علمی لایق شرکت و بررسی در این جایزه نبود، احتمال دارد جایزه را اردیبهشت‌ماه سال آینده برپا کنیم.» اسلامی‌ندوشن پیش‌تر گفته بود، کار داوری آثار و کتاب‌های منتشرشده با موضوع فردوسی در یک‌سال گذشته با حضور جمعی از فردوسی‌پژوهان و استادان برجسته در اول مهرماه آغاز می‌شود و اثر برگزیده معرفی و تجلیل خواهد شد.

#### کلبه کوچک‌من

#### دو نخ سیگار (۹۵)

##### اردشیر خرم‌نکوب

■ **دیروز، با وجود اینکه روز تعطیل بود و ظاهرا کسی با کسی نباید کاری می‌داشت، اما یکی آمد و مرد زمین‌دوست را برای پرس‌وجو از کلبه بیرون برد. خود او از همان صبح زود، حس می‌کرد که بی او خواهند فرستاد. نوشته‌هایش را چندین‌بار بازنویسی کرده بود. و در هر بازنویسی، از من کاغذ می‌گرفت. می‌نوشت و خط می‌زد. نگران این بود مبدا برگه‌های مخصوص اش، از خط‌خوردگی پُر باشد. وقتی چرکنویس نوشته‌هایش را به من نشان داد، دیدم این مرد زیرک با زی‌رکت، در همان سال‌های دور، از خواندن و نوشتن جا مانده نالد: به سواد چندانی ندارد. نشستم و یک به یک هر آن چیزی را که باید در برگه‌ها می‌نوشت، ویراستاری کردم. سر آخر من انشا کردم و او خود نوشت. با پایان یافتن برگه‌ها، مرد زمین‌دوست نفسی پراحت کشید و از من تشکر کرد، من اما، ناخوسته به هجومی از کارهای خلاف او پی بردم. مگر می‌شود یک نفر، به‌راحتی آب خوردن، کوهی از دلار را صرف نابودی آدم‌های یک دستگاه نظارتی کند**

تا خود به کوه بزرگ‌تری از دلار دست‌یابد؟ پنج برگی که به او داده بودند، تماما پُر شد از کارهای ناکار او. وقتی او را برای پرس‌وجو می‌بردند، تندتوند با خود سخن می‌گفت. احساس کردم عجلانه به خود اعتماد به نفس تزریق می‌کند. «قوی باش» را در میان تزریق سرسیم‌هاش شنیدم. با رفتن او، جوان کلبه ما دست به دست کوید و از شانس بد خود نالد: بیا، ببین من بدبخت را با چه کسائی هم‌ردیف کرده‌ام. من کجا و این زمین‌دوست کجا؟ پول پنج‌تسال خوراک مرا این بابا یک روزه درمی‌آورد. قبول که خرافی هست و خافکاراتی، اما نباید یک توازنی در این میان باشد؟ بابا، چرا پدر من و او را به یک چشم ببینند؟ من آدم‌های گندهای می‌شناسم که همشان به کارهایی شبیه کار می‌شوند و من حالا در بیرون از اینجا آزادند و به ریش قانون و مجریان قانون می‌خندند. اگر اسم اینها زمین‌دوست زود بازگشت. انگشت نشانه‌اش جوهری بود. ندانستم که حتما بی برهه‌ای را انگشت زده نه خوشحال بود و نه غمگین. فقط گفت که اجازه داده‌اند به یکی از دوستانش تلفن بزند. جوانی که پای میز تلفن مراقب بود، به همه توصیه می‌کرد: فقط سلام و علیک و احوال‌پرسی! و من به این فکر کردم که زمین‌دوست به دوست خود چه می‌توانسته بگوید؟ جز احوال‌پرسی آیا؟ زمین‌دوست اما از یک چیز خرسند بود: تقاضای سیگار کردم. قول دادند دو نخ برای من بفرستند. تا شب خبری از دو نخ سیگار نشد. دیرهنگام بود که یکی آمد و به التماس زمین‌دوست پاسخ گفت و او را به یک نخ سیگار رساند. و من مجبور بودم دودی را که او با همه استعدادش فرومی‌برد و بسیار دیر بیرون می‌داد، تحمل کنم. جوان به قول خودش به‌قدر «دو کلم» از سیگار او بهره برد.

ادامه دارد

#### دور ایران

■ **میرمحمد تجدد و عبدالله بوتیمار از بازیگران سینما به علت سکتته مغزی در بیمارستان بستری شدند. میرمحمد تجدد که در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان «بیماران» بستری است، در سه روز گذشته به علت سکتته مغزی و خونریزی معده به کما رفته و هم‌اکنون ممنوع‌الملاقات است. عبدالله بوتیمار هم که نزدیک به دو ماه است دچار سکتته مغزی شده هم‌اکنون در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان فیروزگر بستری است.**

■ **«یدالله صمدی» به منظور فراهم‌کردن مقدمات ساخت پروژه فیلم جدیدش به باکو سفر کرده است. این فیلم موزیکال که براساس یک اپرای معروف آذربایجانی ساخته خواهد شد با حضور بازیگران ایرانی و آذری مقابل دوربین خواهد رفت. قرار است یک بازیگر ایرانی نقش «مشتی‌عباد» را بازی کند. فیلم «مشتی‌عباد» به زبان آذربایجانی ساخته می‌شود.**

#### خبر آخر

#### جایزه فردوسی در اسفند

■ **ایسنا:** محمدعلی اسلامی‌ندوشن از آخرین وضعیت جایزه بزرگ فردوسی گفت: «هم‌اکنون همکاران ما در حال تهیه آثار درخوری هستند که در یک‌سال اخیر در حوزه شاهنامه و فردوسی منتشر شده است. در صورتی که آثار به حد تصاب رسید، با داوری و بررسی آثار، کتاب برگزیده در حوزه شاهنامه‌پژوهی و فردوسی در اسفندماه به جامعه فرهنگی معرفی شود. البته در صورتی که آثار درخور به‌حد کفایت نبود و آثاری رسیده بود که به لحاظ علمی لایق شرکت و بررسی در این جایزه نبود، احتمال دارد جایزه را اردیبهشت‌ماه سال آینده برپا کنیم.» اسلامی‌ندوشن پیش‌تر گفته بود، کار داوری آثار و کتاب‌های منتشرشده با موضوع فردوسی در یک‌سال گذشته با حضور جمعی از فردوسی‌پژوهان و استادان برجسته در اول مهرماه آغاز می‌شود و اثر برگزیده معرفی و تجلیل خواهد شد.

## ادب‌و‌هنر

براساس گزارشی که اخیرا در رابطه با آثار فروش گیشه در بردای منتشر شده، میزان فروش گیشه طی سال‌های اخیر کاهش چشمگیری داشته است. در این گزارش آمده است که شیوه خریداری بلیت از گیشه در این مدت تغییر یافته و در حالی‌که آمار خرید بلیت به صورت تکی افزایش یافته میزان خریدهای گروهی و جمعی کاهش یافته است.



در حالی که کارشناسان طی سال‌ها بر این عقیده بوده‌اند که تابلوی «پیرمرد ریشو» را یکی از شاگردان رامبراند، نقاش هلندی کشیده است ولی اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که شخص ذوالخالق این اثر بوده است. «درست فان دو وترینگ»، رییس این تحقیقات گفت: تابلوی «پیرمرد ریشو» را با استفاده از اشعه ایکس ما‌ها مورد تحقیق و بررسی قرار دادیم و متوجه تصویر جوانی‌ماند رامبراند در زیر این تصویر شدیم و درنهایت با بررسی سبک کاری این نقاش و دیگر شواهد، به این نتیجه رسیدیم که او خود خالق این اثر بوده و نه شاگردش.